اخبار کوتاه

۲۳ استان متاثر از برف و کولاک و آبگرفتگی

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر با اشاره به شرایط جوی و بارش‌ها در ۲۳ استان کشور از رهاسازی ۱۵۳ دستگاه خودرو در چهارروز گذشته خبر داد. به گزارش جمعیت هلال احمر مهدی ولی‌پور با اشاره به بارش برف و کولاک و آبگرفتگی در ۱۱ استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، سمنان، فارس، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان و گیلان گفت: ۱۶ شهرستان و ۱۷ منطقه (۱۱ محور، ۲ شهر و ۴ منطقه عشایرنشین) در روزهای گذشته نیاز به امدادرسانی پیدا کردند. او ادامه داد: ۲۹ تیم عملیاتی شامل ۹۴ نفر، به ۷۵۰ نفر امدادرسانی کردند و ۲ خانم باردار را به مراکز درمانی منتقل کردند. ولی‌پور با اشاره به رهاسازی ۱۵۳ دستگاه خودرو در راه مانده، افزود: ۳۷ کیلوگرم نایلون، ۱۳ بسته غذایی و ۳ کیلوگرم خرما نیز بین در راه‌ماندگان و افرادی که متاثر از شرایط جوی بودند، توزیع شد.

داروخانه کلینیک ناباروری شیراز به دلیل تحریک به اعتصاب پلمب شد

تسنیم نوشت: داروخانه کلینیک مشهور ناباروری در شیراز به دلیل عدم ارائه خدمات و تحریک به اعتصاب توسط سازمان اطلاعات سپاه پلمب شد. به گفته تسنیم، «مسئولان این داروخانه روز دوشنبه ۱۴ آذرماه ضمن تحریک به اعتصاب از ارائه خدمات به بیماران خودداری می‌کردند. در ایام اخیر برخی از داروخانه‌ها نیز به بهانه‌های مختلف مانند قطعی سایت از ارائه خدمات به طیفی از بیماران خودداری می‌کرده‌اند که برخورد با این داروخانه‌ها در دستور کار قرار گرفته است!» تسنیم می‌گوید طبق قانون ۲۳، ۲۴ تعزیرات حکومتی امور بهداشتی ودرمانی، داروخانه موظف است تمام کالاهای خریداری شده را مستمراً تا اتمام موجودی عرضه کند و در صورت خودداری از عرضه مجازات خواهد شد. همچنین داروخانه موظف است طبق ساعات تعیین شده خدمات مربوطه را ارائه کند مگر با دلیل موجه و یا با اطلاع کتبی و نظر سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان محل و در غیر این صورت متخلف به مجازات‌های مختلف محکوم می‌شود. همچنین این خبرگزاری وابسته به دولت گفته «داروخانه‌ها به بهانه مسائل سیاسی و صنفی اگر از ارائه خدمات دارویی خودداری کنند طبق قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و قانون مربوط به مقررات پزشکی دارویی با آن برخورد جدی خواهد شد.»

افزایش تصادفات منجر به مرگ در جاده ازنا–اراک

نماینده لرستان در شورای عالی استان‌ها با اشاره به مشکلات شهرستان ازنا از جمله عدم زیر ساخت‌های جاده‌ای، درمانی، آموزشی و... گفت: باید هر چه سریع‌تر تکلیف کارخانه فولاد ازنا معلوم شود چرا که کارگران این کارخانه با وجود ۱۵ سال سابقه کار هنوز بلاتکلیف هستند و حتی وضعیت بیمه‌شان هم مشخص نیست. عزیزا... میربراتی در گفت‌وگو با ایلنا، اظهار داشت: بارها برای وضعیت ناایمن جاده ازنا- اراک در جلسات شورا در چند دوره‌ای که حضور داشته‌ام مطرح کرده‌ام اما کوچک‌ترین توجهی تاکنون در این زمینه نشده است. چندین بار در صحنه تصادفات جاده‌ای ازنا- اراک حضور پیدا کرده‌ام و این تصادفات به قدری دلخراش بوده که تا مدت‌ها از ذهنم پاک نشده‌اند. او گفت: محور ازنا- اراک ۲۵ کیلومترش در حوزه استحفاظی استان مرکزی است و از نماینده فعلی اراک در شورای عالی استان‌ها و مجلس درخواست رسیدگی داریم. در این تصادفات علاوه بر منابع مالی، منابع انسانی‌مان را هم از دست می‌دهیم. شاید منابع مالی از دست رفته جبران شود اما منابع انسانی هرگز قابل جبران نیست. نماینده لرستان در شورای عالی استان‌ها عنوان کرد: تنها ۶ کیلومتر این محور در حوزه استحفاظی لرستان نیاز به آسفالت دارد و کارهای زیر سازی این جاده انجام شده است اما به دلیل عدم آسفالت با بارش باران این زیر سازی در حال تخریب است و برای آسفالت شدن نیاز به اعتباری اندک دارد. عمده کار بازسازی این محور در استان مرکزی باقی مانده است. میربراتی در ادامه به وضعیت نامطلوب درمانی در شهرستان ازنا هم اشاره کرد و گفت: ۵ الی ۶ مادر باردار در یکی دو سال اخیر به دلیل عدم امکانات درمانی، نیروی متخصص و سوء مدیریت جان‌باخته‌اند. مادرانی که سالم و با پای خودشان به تنها مرکز درمانی ازنا برای زایمان مراجعه کردند اما پیکر بی‌جان‌شان از این درمانگاه خارج شد. وقتی امکانات به اندازه کافی در این درمانگاه وجود ندارد نباید به هیچ عنوان زن باردار را سزارین کنند. عضو شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه چرا مدیر ناکارآمدی را که نمی‌تواند مدیریت کند رأس کار می‌گذارند، افزود: درمانگاهی در مومن‌آباد اواخر پارسال توسط استاندار افتتاح شد که بدون جواز ساخته بودند و امکانات لازم و حتی آسانسور نداشت. این درمانگاه بعد از ۲ ماه دچار آتش سوزی شد.

معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از اسکان مردان در معرض خشونت خانگی خبر داده

«سامان‌سرا»ی مردان خشونت‌دیده

در جوامعی مثل کشور ما اگر قرار بر این باشد که بحث خشونت طرح شود، این خشونت علیه زنان کاربرد دارد. لااقل تا حالا که اینطور بوده. خشونت‌هایی که بر اساس آمار در مورد زنان در ایران صورت گرفته از قتل‌های ناموسی گرفته و کودک همسری تا تبعیض‌هایی که در مواردی در محیط‌های اجتماعی و محیط کار، صورت می‌گیرد از میزان حقوق و دستمزد و طبقه شغلی و غیره نمونه‌هایی از مواردی هستند که اگر بشود اسمش را خشونت گذاشت موید زنانگی اعمال خشونت هستند.

حالا و در این شرایط بحث خشونت علیه مردان توسط یک مقام مسئول مطرح می‌شود. محمد نصیری، معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور درباره اقدامات این سازمان در خصوص خشونت‌های خانگی، بحث مردان را مورد توجه قرار داده. او البته گفته: «ما در خصوص خشونت خانگی در سه موضوع فعالیت می‌کنیم اول زنانی هستند که دچار خشونت شده‌اند، دوم مرتکبان خشونت اعم از زن و مرد و سوم مردانی که دچار خشونت خانگی شده و در فرآیند قرنطینه اورژانس اجتماعی قرار می‌گیرند.»

تدبیر خانه امن برای مردان

اما همان‌طور که ذکر شد بخشی از خشونت‌های علیه زنان خشونت‌های خانگی هستند، شمار زنانی که تحت تاثیر خشونت قرا می‌گیرند، از خانه گریزان می‌شوند و سرنوشت‌های نامعلومی انتظارشان را می‌کشد؛ آنچه متأسفانه بعد از آن عنوان زنان خیابانی یا دختران فراری به خود می‌گیرند. اماکنی هم که قرار باشد زنان و دختران فراری از خشونت‌های خانگی به آنجا پناه ببرند، نه چندان تعریف شده و کافی نیستند اگرچه شهرداری مکان‌هایی را تحت عنوان گرمخانه آن هم با شرایطی و برای استفاده از روزهای محدود در اختیار قرار می‌دهند. حالا و در این کمبود امکانات و شرایط برای اسکان زنان گریزان از خشونت، بحث اماکن اسکان برای مردان مطرح می‌شود. معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در پاسخ به این سوال خبرنگار ایلنا که آیا خانه‌های امن برای مردانی که دچار خشونت خانگی شده و مجبور به ترک منزل هستند در سازمان بهزیستی وجود دارد، گفته: «یکی از موضوعاتی که در معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی وجود دارد بحث خانه امن در سازمان بهزیستی است.» او در توضیح موضوع اسکان برای زنان تحت عنوان خانه امن گفته «این خانه‌ها تنها مکانی هستند که زنان دچار خشونت خانگی به‌همراه فرزندشان می‌توانند در دوره‌ای مشخص شامل دوره‌های ۲۱روزه، ۳ماهه، ۶ماهه و یکساله و تا زمانی که توانمندسازی آن‌ها مشخص شود، در آنجا حضور داشته باشند.» او البته خاطرنشان کرده: «در کنار این اقدامات، اقدامی را با سازمان امور اجتماعی کشور نیز طراحی و در دستور کار قرار داده‌ایم که براساس این طرح در خشونت خانگی به‌جای اینکه فرد خشونت دیده را از خانه خارج کنیم، فردی که مرتکب خشونت شده است را با همکاری دستگاه قضائی از خانه خارج می‌کنیم و شرایطی را ایجاد می‌کنیم تا کیان خانواده حفظ شود.» نصیری در پاسخ به سوالی درباره همکاری قوه قضائیه و پلیس با اورژانس اجتماعی در این زمینه، گفته: «در همه برنامه‌هایی که مربوط به کیان خانواده است از جمله ورود به حوزه خانواده، انتقال افرادی که متقاضی هستند و یا افرادی که با مداخله اورژانس منتقل می‌شوند و... همکاری با دستگاه قضائی صورت می‌گیرد.» او ادامه داده: «در مواردی از خشونت خانگی که فرد خشونت دیده مرد است ما در مراکز اورژانس اجتماعی سامان‌سراهایی داریم که هماهنگی و پذیرش این افراد انجام می‌شود.» معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور درباره افزایش تعداد خانه‌های امن در کشور گفته: «در حال حاضر ظرفیت خانه‌های امن تکمیل نیست در برخی از استان‌ها ما افزایش تعداد خانه‌های امن را با توجه به اینکه ظرفیت خالی وجود دارد نخواهیم داشت.»

آیا خشونت علیه مردان واقعا پایین است؟

اما در خصوص آمار خشونت علیه مردان در ایران، پیش از این، گزارش‌هایی هم تهیه شده. عضو هیات علمی گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، در چهارمین کنگره آنلاین بین‌المللی و سی و ششمین همایش مددکاری اجتماعی در ایران با موضوع مددکاری اجتماعی و ادغام اجتماعی، به اینکه میزان خشونت خانگی علیه زنان و کودکان به مراتب بیشتر از گروه‌های دیگر است، اشاره کرده و گفته بود: آمار رسمی در زمینه خشونت خانگی وجود ندارد اما آمارهای غیر رسمی و تماس‌هایی که با خطوطی نظیر اورژانس اجتماعی و یا خطوط دیگر نظیر خط احیا، گرفته می‌شود نشان از رواج خشونت خانگی در جامعه و افزایش آن در پاندمی کووید- ۱۹ دارد. منصور فتحی، خشونت خانگی را بروز هر شکلی از خشونت توسط شریک زندگی یا سایر اعضای خانواده دانسته و برای آن انواع مختلفی نظیر جسمانی، روانی، جنسی و اقتصادی عنوان کرده بود. این عضو هیات علمی دانشگاه علت آمار پایین خشونت علیه مردان را به عوامل متفاوتی از جمله شرمساری در پیگیری امر و یا عدم پیش بینی سیستم حمایتی در این زمینه دانسته و ادامه داده بود: شاهد افزایش خشونت علیه سالمندان و افرادی نظیر معلولان و بیماران خاص که شرایط خاصی دارند، هستیم. او، اعتیاد، عدم مهارت‌های ارتباطی و کنترل خشم، تجربه آزار در کودکی و انتقال بین نسلی خشونت را از جمله علل تداوم خشونت خانگی دانسته و این را هم گفت که افراد تجربه‌گر خشونت خانگی در کودکی، در آینده یا قربانی خشونت و یا مرتکب خشونت خواهند بود. فتحی با بیان اینکه مددکاران اجتماعی نگاه سیستمی به مسائل دارند، تاکید کرده بود: تمرکز مددکاران اجتماعی صرفا بر قربانیان خشونت نیست بلکه مرتکبین خشونت نیز نیازمند مداخلات هستند. باید عوامل اثرگذار بر خشونت شناسایی شده و یک هدف هوشمندانه انتخاب شود. یکی از مواردی که باید به آن توجه داشت تشخیص نیازهای افراد است تا خدمات مددکاران مبتنی بر نیازهای مراجعان باشد. نگاه ما به مرتکبین خشونت نگاه مجرمانه نیست. باید بتوانیم دسترسی قربانیان به خدمات مددکاری را تسریع کنیم و خدمات و اقدامات نباید متمرکز بر اقدامات فردی باشد بلکه باید نگاهی سیستمی به قضایا داشت.

ماجرای عجیب پیدا شدن یوزها از زبان دامدار و کارمند اداره گاز مهدی‌شهر

من دو توله یوز ارزشمند را نجات دادم

روز پنجشنبه، ۱۰ آذر می‌توانست برای اکبر نیک‌فرجام مثل همه آخر هفته‌ها باشد، کارمند ۵۴ ساله اداره گاز مهدی‌شهر واقع در استان سمنان، یا همان سنگسر. کارمند اداره گازی که نسل در نسل دامدار بوده‌اند و او هم مثل اجدادش سال‌هاست که در منطقه خارتوران در ۵۰۰ کیلومتری شهر سمنان، هزار راس گوسفند دارد. آقای نیک‌فرجام که در طول هفته در اداره گاز مشغول به کار است، آخر هر هفته سراغ دام‌هایش می‌رود و کار دامپروری انجام می‌دهد. پنجشنبه‌ای که گذشت، ساعت حدود ۹ صبح او برای سر زدن و رسیدگی به آبشخورهای منطقه، در دل کویر و پارک توران، رفت، آبشخورهایی که بعد از بارندگی باید مراقب‌شان بود تا آب‌های جمع‌شده در آن، تشنگی دام‌ها را برطرف کند. هنوز کارش را شروع نکرده بود که صدایی می‌شنود، صدایی مثل صدای پرندگان یا حیوانی که به گوش او خیلی آشنا نبود؛ او می‌گوید: «صدا از سمت بیشه می‌آمد، یک جور وق‌وق، نمی‌توانستم تشخیص بدهم، صدا بی‌وقفه شنیده می‌شد، نگران شدم نکند حیوانی از پشت نیزارها بیاید و به من حمله کند، از طرفی نمی‌خواستم کارم را رها کنم، برگشتم سوار ماشین شدم و کمی با ماشین سروصدا راه انداختم که اگر حیوانی وحشی در آن اطراف است، فراری شود.» نیک‌فرجام از ماشین پیاده می‌شود تا به کارش برسد، اما صدا همچنان ادامه دارد، دل به دریا می‌زند و می‌رود سمت بیشه: «انتظارش را نداشتم، دو توله یوزپلنگ کنار هم، از صدایشان می‌شد تشخیص داد که گرسنه هستند... این سوال به ذهنم رسید که پس مادرشان کجاست؟» به فکرش می‌رسد که دوربینی را که داخل ماشین دارد، بیاورد و برای یافتن مادر توله‌ها تا جای ممکن اطراف منطقه را رصد کند، علاوه بر این کار، همان اطراف را می‌چرخد که ببیند ردپایی از یوزپلنگ مادر پیدا می‌شود یا نه. هیچ کدام از این کارها فایده‌ای ندارد، از آنجا که ردپای روباه هم دیده بود و صدای توله‌ها که گرسنه بودند، بلندتر هم شده بود، نگران می‌شود که یوزپلنگ مادر نیاید و توله‌ها هم شکار حیوانات دیگر شوند. ساعت حدود چهار می‌شود که آقای نیک‌فرجام تصمیم خودش را می‌گیرد: «به‌شدت نگران توله‌ها بودم، آن منطقه هم آنتن ندارد و امکان تماس با هیچ‌کسی را نداشتم. از یک طرف می‌دانستم که اگر توله‌ها را با خودم ببرم، شاید دیگر مادرشان سراغ‌شان نیاید، از طرفی حدس می‌زدم یوزپلنگ مادر با خطری مواجه شده و تصمیم گرفته جای توله‌ها را عوض کند و شاید همین حین دچار حادثه شده باشد و اصلا برنگردد، اگر توله‌ها را همان‌جا رها می‌کردم احتمال برگشتن مادرشان از اینکه از گرسنگی بمیرند و یا طعمه حیوانی شوند، کمتر بود، پس تصمیمم را گرفتم و توله‌ها را بدون اینکه دستم به آنها بخورد، با یک گونی برداشتم.» حالا دیگر هوا رو به تاریکی گذاشته و نیک‌فرجام با ماشینش به‌همراه دو توله‌یوز کوچک به سمت دامداری‌اش در حرکت است. یکی از گوسفندانش تازه زایمان کرده و شیرش خوراک یوزهاست، به هر کدام حدود چند سی‌سی شیر می‌دهد، اما نگرانیش برای یوزپلنگ مادر و اینکه تصمیم درستی گرفته یا نه، همچنان سرجایش هست. صبح جمعه، ۱۱ آذر، آفتاب نزده، دوباره برمی‌گردد سمت بیشه، باز هم اطراف را می‌گردد تا شاید ردپایی از یوزپلنگ مادر ببیند، خبری نمی‌شود، خودش را می‌رساند به «احمدآباد» اولین جایی که تلفن همراهش آنتن می‌دهد، یعنی ۱۰-۱۲ کیلومتری همان‌جا که توله‌ها پیدا شده‌اند. به دوستی که در اداره محیط‌زیست کار می‌کند، زنگ می‌زد. ماجرا را تعریف می‌کند و یکی دو ساعت بعد کارشناسان محیط‌زیست و محیط‌بانان خودشان را می‌رسانند به نیک‌فرجام و توله‌یوزها، آنها هم همان کاری را انجام می‌دهند که او انجام داده، توله‌ها را به همان بیشه‌زار می‌برند و دوربین‌ها را روشن می‌کنند و منتظر می‌مانند که شاید یوزپلنگ مادر برگردد، جمعه به ساعت‌های پایانی‌اش می‌رسد اما از مادر یوزها خبری نمی‌شود. از این‌جا به بعد ماجرای آقای نیک‌فرجام و توله‌یوزها را همه می‌دانیم. توله‌ها که هر دو ماده هستند، فعلا در سمنان و زیرنظر دامپزشکان و علیرضا شهرداری که نگهداری «پیروز» (یوزپلنگی آسیایی و فرزند «ایران» و «فیروز» است که در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ متولد شد) را برعهده دارد، نگهداری می‌شوند. حال توله‌یوزها خوب است و فعلا مشکل خاصی ندارند البته چون تازه از مادر جدا شده‌اند و تغذیه آن‌ها از شیر مادر بوده است، هنوز به شیرخشک عادت نکرده‌اند و کمی سخت شیر می‌خورند اما به‌صورت کلی می‌توان گفت شرایط خوب و قابل قبولی دارند.

با احداث سد چمشیر، حدود ۲۵۰۰ هکتار جنگل را در منطقه به صورت کامل یا در حد قابل توجهی از دست خواهیم داد

احداث سدی که نابودی به ارمغان می‌آورد

اردیبهشت ماه سال ۹۸ یک گروه تحقیقاتی از دانشگاه تهران در گزارشی به شرکت مدیریت منابع آب و نیرو که مجری این سد است، اعلام کرد که به دلیل شرایط زمین‌شناسی و وضعیت حوضه آبی، در صورت آبگیری این سد سالانه ۵۰۰ هزار تن نمک در مخزن سد حل خواهد شد. به اعتقاد کارشناسان منابع آبی، توده نمکی در سد گتوند ۲ و نیم کیلومتر در مخزن ۶۰ کیلومتر مربعی بوده و این درحالی است که در سد چمشیر ۷۰درصد دریاچه این سد در گنبد نمکی سازند واقع شده است. همچنین موقعیت سازند گچساران در میادین نفتی منجر به تشکیل پوشش برای ذخایر عظیم نفت در این منطقه شده است. این البته همان موضوعی است که می‌تواند سد چمشیر را به منبع عظیم آلودگی‌های زیست محیطی تبدیل کند. یک کارشناس و فعال محیط زیست درباره تبعات احداث سد چمشیر می‌گوید که تبعات جدی‌اش این است که شرق خوزستان تا هندیجان که همین الان هم کانون گسترش فرسایش بادی در آنجا شده، به دلیل کاهش محسوس در آب‌دهی، نابودی نخلستان‌ها، بخش‌های قابل توجهی از شادگان را به شکل جدی‌تری از دست خواهیم داد و بحران در منطقه شرق خوزستان افزایش پیدا می‌کند شوری آب باعث می‌شود که همین اراضی کشاورزی که در منطقه هستند، بیشتر از حیز انتفاع خارج شوند، بیکاری و چشمه‌های تولید گرد و خاک افزایش پیدا کند، یک سری شاخص زیست‌پذیری خوزستان با بهبهان را کاهش می‌دهد و علاوه بر این حدود ۲۵۰۰ هکتار جنگل را در منطقه‌ای که هر درختی از آن می‌تواند ارزشمند باشد را به صورت کامل یا در حد قابل توجهی از دست خواهیم داد. محمد درویش، کنشگر محیط زیست در پاسخ به این پرسش که چرا احداث سد چمشیر نمی‌تواند به افزایش کیفیت آب رودخانه زهره کمک کند، گفت: «استدلال موافقان این است که چون رودخانه زهره بعد از تنگه چمشیر، با چند چشمه فوق‌العاده شور کیفیت آبش را از دست می‌دهد، در نتیجه با زدن این سد اجازه نمی‌دهیم که کیفیت آب شیرین فدای آب شور شود. منتهی در گزارشی که در دانشگاه تهران در سال ۹۸ توسط دکتر منتظری و همکارانش منتشر شد، به این استدلال پاسخ دادند که مخزن سد که ۲/۳ میلیارد متر مکعب گنجایش دارد، وقتی سالانه با ۵۰۰ هزار تن ورودی نمک مواجه شود، فشار هیدرواستاتیکی به مخازن آب زیرزمینی و سطحی در پایین دست سد می‌آورد و آب‌دهی همان چشمه‌های فوق‌العاده شور را افزایش می‌دهد؛ در نتیجه می‌تواند ابعاد فاجعه را به مراتب بدتر هم کند. به همین خاطر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هم دستور توقف آب‌گیری را صادر کرده است.» او ضمن بیان اینکه به دلیل شور بودن، این آب برای کشاورزی هم قابل استفاده نیست، افزود: «وقتی مخزن را از دست دهیم، آن مخزن قرار بوده آب باکیفیت برای کشاورزی را فراهم کند. طبق گزارشی که وزارت نفت منتشر کرده است علاوه بر اینکه آب شور می‌شود، هیچ تضمینی وجود ندارد که مواد شیمیایی آن یازده چاه نفتی که پلمب و زیر مخزن را می‌گیرد، قاطی آب نشود. بنابراین می‌تواند علاوه بر شوری دچار آلودگی‌های میکروبی و بیولوژیک دیگر هم شود.» درویش درخصوص دیگر تبعات احداث این سد، بیان کرد: «تبعات جدی‌اش این است که شرق خوزستان تاهندیجان که همین الان هم کانون گسترش فرسایش بادی در آنجا شده، به دلیل کاهش محسوس در آب‌دهی، نابودی نخلستان‌ها، بخش‌های قابل توجهی از شادگان را به شکل جدی‌تری از دست خواهیم داد و بحران در منطقه شرق خوزستان افزایش پیدا می‌کند.» این فعال محیط زیست افزود: «شوری آب باعث می‌شود که همین اراضی کشاورزی که در منطقه هستند، بیشتر از حیز انتفاع خارج شوند، بیکاری و چشمه‌های تولید گرد و خاک افزایش پیدا کند، یک سری شاخص زیست‌پذیری خوزستان با بهبهان را کاهش می‌دهد و علاوه بر این حدود ۲۵۰۰ هکتار جنگل را در منطقه‌ای که هر درختی از آن می‌تواند ارزشمند باشد را به صورت کامل یا در حد قابل توجهی از دست خواهیم داد. در واقع ۵۰۰ هکتار جنگل رودخانه‌ای را کامل از دست خواهیم داد، از جمله گونه‌های کنار، پده و ید و ۲۵۰۰ هکتار دیگر از جنگل‌ها را هم متاثر می‌کند و احتمال نابودی آن‌ها بیشتر خواهد شد.»

ذره بین

مرگ ۲۵۰۰ فک خزری

در کوچک‌ترین دریای مستقل جهان!

فریبا خانی
نویسنده و روزنامه‌نگار

این روزها موضوعات اجتماعی و سیاسی آنقدر پررنگ است که پرداختن به موضوعات زیست‌محیطی کمرنگ شده است. به نظر می‌رسد به این دو خبر باید توجه داشت. مرگ ۲۵۰۰ فک خزری در سواحل روسیه. چون این گونه در حال انقراض است و ۹۰ درصد این گونه از بین رفته است. دیگری آبگیری سد «چمشیر»، محمد درویش و حسین آخانی فعالان محیط زیست به عواقب آبگیری این سد هشدار داده‌اند. که حدود ۵۰۰ هزار تن نمک حل شده به رودخانه زهره پمپاژ خواهد شد و نابودی رویش گیاهی منطقه با وسعت ۵۰۰ هکتار را در پی خواهد داشت. دوستداران محیط زیست باید به این دو موضوع حساس باشند. اما مرگ فک‌های خزری ماجرایش چیست؟

یک دریاچه قدیمی در کره زمین

دریاچه خزر، بخشی از دریای بزرگی است که روزگاری در یک دوره زمین‌شناسی، اقیانوس اطلس را به اقیانوس آرام متصل می‌کرد. با حرکت پلان‌های زمین این اتصال از بین رفت و آن تبدیل به بزرگ‌ترین دریاچه جهان شد. البته دریا یا دریاچه خزر لقب دیگری هم دارد که خیلی جالب است. به او کوچک‌ترین دریای مستقل جهان هم می‌گویند. دریایی که راه به اقیانوس ندارد و همین موضوع، او را آسیب‌پذیرتر می‌کند. این دریا ۴۰۰ گونه آبزی دارد و طول پیرامون آن ۷۰۰۰ کیلومتر است. این دریاچه زیبا، پس از خلیج فارس و سیبری مقام سوم ذخایر نفت و گاز جهان را دارد. یکی از گونه‌های نادر و زیبای این دریاچه فک خزری است. فک خزری از کوچک‌ترین اعضای خانواده فک‌های حقیقی یا فوک‌های بدون گوش است. فک‌های خزری در بهار و تابستان به سمت سواحل جنوبی دریای خزر که صخره‌ای یا ماسه‌ای است می‌آیند و پاییز و زمستان را در بخش شمالی دریا بر روی برف و یخ سپری می‌کنند. حیوان زیبایی که ۹۰ درصد جمعیت آنها به‌خاطر شکار و آلودگی دریاچه خزر با مواد رادیو اکتیو و مواد نفتی و شیمیایی، آلودگی صنعتی، مانورهای نظامی و کمبود ماهی کیلکای خزر که غذای اصلی آنهاست؛ ازبین رفته است. به نوشته سایت مرکز درمانی و تحقیقاتی فک خزری، این گونه تنها پستاندار بزرگ‌ترین دریاچه آب شور جهان یعنی دریای خزر است که طبق فهرست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت، گونه در معرض خطر به‌شمار می‌آید. بیش‌ترین فک‌های خزر در بندرترکمن دیده می‌شوند، اما در استان گیلان تعداد این فک‌ها کم‌تر است. در استان گلستان و بندر ترکمن فرهنگ‌سازی درباره این فک‌ها بیش‌تر انجام شده است و بومیان این منطقه بیش‌تر این فک را می‌شناسند. براساس اطلاعات این مرکز، تا بیش از بیست سال پیش، ایرانیان می‌توانستند گله‌های فک خزری را در حال شنا یا استراحت در سواحل شمالی کشور مشاهده کنند، اما حالا حتی نام آن هم برای بسیاری ناآشناست. در زمستان شمال دریاچه خزر فضایی سرد و زمستانی و یخ زده دارد و گویا این فک‌ها از این فضا لذت برده به آنجا مهاجرت می‌کنند تا چند سال پیش روس‌ها آنها را شکار کرده با پوست فک‌های خزری کلاه پوستی‌های گرم می‌دوختند و گوشت این حیوان را برای سگ‌ها استفاده می‌کردند تا اینکه دوستداران محیط زیست از شکار این حیوان به ستوه آمدند. حالا بنا بر اعلام وزارت منابع طبیعی جمهوری خودمختار داغستان، تعداد زیادی از فک‌های تلف شده در دهانه دو رود «سولاک» و «شورینکا» کشف شده‌اند. در این باره زاور گاپیزوف، رئیس مرکز حفاظت از محیط زیست دریای خزر گفت: «به نظر می‌رسد این فک‌ها حدود دو هفته پیش تلف شده باشند. در نتیجه بررسی‌ها مشخص شد که اثری از گرفتار شدن در تور ماهیگیران یا شکار بر بدن آن‌ها دیده نشده است.» مرکز درمانی و تحقیقاتی فک خزر سال‌ها روی فرهنگ سازی مناطق بومی استان گلستان کار کرده بود و برنامه داشت که روی استان مازندران و گیلان هم کار کند. فعالان محیط زیست و علاقه‌مندان به فک خزری، زنان ترکمن را تشویق کرده بودند که فک خزری را روی صنایع دستی خود تصویر کنند... یا از ماهیگیران خواسته می‌شد که اگر فُکی در تورشان گرفتار آمد آن را رها کنند اگر زخمی و بیمار دیدند آن را به مرکز انتقال دهند... البته مدت‌هاست در کشور ما مسائل محیط زیستی کمرنگ شده است و ما گرفتار مسائل سیاسی و اقتصادی هستیم. ممکن است بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی خسران جدی به بار آورد! باید پیگیر این بود چرا فک‌های خزری با این تعداد جان‌شان از بین رفت؟ مگر در جهان چند فک خزری باقی مانده است؟ مرگ ۲۵۰۰ فک در یک زمان کوتاه یک فاجعه محیط زیستی است.

روی خط آرمان ملی

۸۸۷۶۰۱۷۶

قیمت گوشت قرمز

قیمت گوشت قرمز حدودا ۳۵ تا ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده و مردم توان خرید گوشت قرمز را ندارند، از مسئولین خواهشمندیم فکری به حال مردم کنندچرا که روز به روز سفره مردم کوچک‌تر می‌شود.

عرب‌سرخی از تهران